

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تاریخ: ۱۳۹۷/۰۹/۲۰

موضوع: شبهات وهابیت و اهل سنت پیرامون «خمس»

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین و هو خیر ناصر و معین الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لاسیما على مولانا بقیة الله و اللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله إلى يوم لقاء الله
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ

خدا را بر تمام نعمت‌هایش بویژه نعمت ولایت سپاس می‌گوییم و بسیار خوشحالم که توفیق نصیب شد تا در جمع شما عزیزان و بزرگواران در این مرکز حضور پیدا کنم. موضوع بحث شبهاتی است که وهابیت و یا اهل سنت در رابطه با موضوع «خمس» دارند. اولاً به صورت کلی قطعاً می‌دانید اهل سنت معتقد به وجوب «خمس» فقط در غنائم جنگی هستند و بس!

از آیه «خمس» هم همین برداشت را دارند به جای «خمس» این‌ها معتقد به «زکات» هستند حتی در نقدین، و همچنین وهابی‌ها که در حقیقت برخواسته از اهل سنت است و با اهل سنت، در خیلی از فروع و اصول یکی هستند و تفاوت‌های خاصی در رابطه با تکفیر و قتل مسلمان‌ها دارند.

ولی از نظر معتقدات این‌ها خیلی با هم تفاوتی ندارند؛ ابتدا به حرفی که سران وهابی در رابطه با «خمس» دارند می‌پردازیم، «ابن تیمیه» بزرگ نظریه‌پرداز وهابیت در کتاب «منهاج السنة النبویه» یا به تعبیر «علامه امینی»، «منهاج البدعة الامویه» می‌گوید:

«وأما الخمس فقد اختلف اجتهاد العلماء فيه فقالت طائفة سقط بموت النبي صلى الله عليه وسلم ولا

يستحق أحد من بني هاشم شيئاً بالخمس»

بعد از رحلت نبی مکرم خمس ساقط شد، دیگر لازم نیست که ما خمس بدهیم و شرط خمس، حیات نبی مکرم بود.

«وقالت طائفة بل الخمس إلى اجتهاد الإمام يقسمه بنفسه في طاعة الله ورسوله كما يقسم الفيء وهذا قول أكثر السلف وهو قول عمر بن عبدالعزيز ومذهب أهل المدينة مالك وغيره»

بعد ایشان می گوید:

«وهو أصح الأقوال وعليه يدل الكتاب والسنة»

بعد می گوید:

«وأما ما يقوله الرافضة»

آنچه که شیعه معتقد است

«من أن خمس مكاسب المسلمين يوخذ منهم ويصرف إلى من يرونه هو نائب الإمام المعصوم أو إلى غيره فهذا قول لم يقله قط أحد من الصحابة»

عقیده‌ی که شیعه در رابطه با «خمس» دارد احدی از صحابه، نه امیر المؤمنین و نه دیگری و نه هیچ کدام از تابعین و نه هیچ کدام از بنی هاشم و غیره همچنین حرفی نزدند.

«وكل من نقل هذا عن علي أو علماء أهل بيته كالحسن والحسين وعلي بن الحسين وأبي جعفر الباقر وجعفر بن محمد فقد كذب عليهم»

...تمامش دروغ و افتراء است

« فإن هذا خلاف المتواتر من سيرة علي رضي الله عنه فإنه قد تولى الخلافة أربع سنين وبعض أخرى»

...چهار سال و اندی خلیفه بود.

«ولم يأخذ من المسلمين من أموالهم شيئاً بل لم يكن في ولايته قط خمس مقسوم»

خمسى که امير المؤمنين گرفته و توزیع کرده باشد ما نداریم.

منهاج السنة النبوية ، اسم المؤلف: أحمد بن عبد الحليم بن تيمية الحراني أبو العباس الوفاة: ٧٢٨ ، دار

النشر : مؤسسة قرطبة - ١٤٠٦ ، الطبعة : الأولى ، تحقيق : د. محمد رشاد سالم، ج ٦ ص ١٠٤ و ١٠٥

همچنین «ناصر الدين قفاري» که از علمای بزرگ و اساتید بزرگ دانشگاه «محمد ابن سعود» «رياض» است و کتاب‌هایش معمولاً کتاب درسی دانشگاه «مدینه» است و جزء لیدرها و ایدئولوگ‌های وهابی در عصر حاضر است، ایشان همین تعبیر را از «ابن تیمیه» نقل می‌کند:

«أن النبي صلى الله عليه وسلم لم يخمس أموال المسلمين، ولا طلب أحداً قط من المسلمين بخمس ماله»

نبی مکرم نه دستور به «خمس» داده و نه از کسی «خمس» گرفته...

«وهذه الأموال التي يأخذها شیوخ الشيعة باسم فريضة إسلامية وحق من حقوق آل البيت، وهي تتدفق اليوم عليهم كالسيل من كل قطر»

اموالی را که آیات و مراجع شیعه به اسم «حق الامام الغائب» می‌گیرند این‌ها مثل قطراتی است که همانند سیل از هر قطره درست می‌شود و از بدعت‌های شیعه است.

« هي من أكبر العوامل على بقاء خرافة الاثني عشرية إلى اليوم»

این از بزرگترین عللی است که اینها بعد از غیب حضرت ولی عصر «خمس» را تأسیس کردند تا بقای مرجعیت شیعه، در سایه «خمس» ادامه پیدا کند.

أصول مذهب الشیعة الإمامیة الإثنی عشریة عرض ونقد - (ج ۳ / ص ۱۱۸۲)

کتاب «اصول مذهب الشیعة الإمامیة الاثنی عشریة»، در حقیقت قوی‌ترین کتابی است که در ۱۴ قرن علیه شیعه نوشته شده، ایشان تمام شبهاتی را که از قرن ۳ به این طرف علیه شیعه بوده آن‌ها را جمع کرده و با یک بیان خیلی جذاب و روان‌شناختی در ۳ جلد تألیف کرده که در حقیقت رساله دکترای ایشان بوده است!

ایشان این کتاب را در زمان «ملک فهد» نوشت، «ملک فهد» دستور داد این کتاب درسی در دانشگاه «مدینه» در مقطع ارشد در ۳ سال قرار دادند. معمولاً امروزه هم که از مفتیان وهابی در مورد عقاید شیعه سوال می‌کنند که عقاید شیعه چیست؟ می‌گویند کسی می‌خواهد عقاید شیعه را بداند کتاب «اصول مذهب شیعه» را مطالعه کند.

یکی از توفیقاتی که خدای عالم به حقیر داد، خدا آیت‌الله العظمی «فاضل لنکرانی» را بیامرزد، ایشان دو سال قبل از رحلت‌شان بنده را خواست فرمود فلانی این کتاب ۱۰ سال است نوشته شده و عقاید شیعه را خیلی مورد هجمه قرار داده؛ ولی نه حوزه، نه دانشگاه کسی به این جواب نداده است، به خاطر لطفی که ایشان به بنده داشت تعبیرش این بود که فلانی آستین بالا بزن از جدهات حضرت زهرا دفاع کن، کمک‌تان می‌کند.

ما هم تقریباً ۷-۸ سال یک لجنه خیلی قوی تشکیل دادیم و ۳ جلد جواب نوشتیم، الحمد لله هر کدام از دوستان و مراجع که کتاب را خواندند از باب اینکه بچه دبستانی احتیاج به تشویق دارد، مورد تشویق قرار دادند و در نجف هم سه چهار تا از مراکز تخصصی شان این کتاب را، کتاب درسی قرار دادند.

حاج آقای «اعرافی» هم از ما خواست که این کتاب را در یک جلد خلاصه کنیم تا کتاب درسی المصطفی قرار بدهند ما انجام دادیم ان شاء الله امسال چاپ بشود؛ در حقیقت این ۳ جلد کتاب، خلاصه‌ی شبهاتی است که در ۱۴ قرن علیه شیعه نوشته شده است.

پرسش:

حاج آقا! اسم کتاب خودتان چیست؟

آیت‌الله دکتر حسینی قزوینی:

فقط «نقد» را جلوی‌ش گذاشتیم

پرسش:

چند جلد است؟

آیت‌الله دکتر حسینی قزوینی:

کتاب ما ۳ جلد است؛ البته در ۳ جلد ما توانستیم ۳ تا شبهه را پاسخ بدهیم! دوستان اگر در سایت «مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر» در قسمت آثار تألیفات بیابند، در این جا کل آنچه که خدا توفیق داده ما ورقه‌ها را سیاه کردیم نزدیک به ۸۰ جلد کتاب است و این را هم که مشاهده می‌کنید کتاب «نقد اصول مذهب الشیعة الاثنی عشریه» است.

پرسش:

ترجمه نشده؟

آیت‌الله دکتر حسینی قزوینی:

ترجمه شده! ما این کتاب را نقد کردیم فقط واژه «نقد» را اضافه کردیم دیگر جلد و رنگ جلد و غیره آن را مثل همان کتاب طراحی کردیم که بتواند وارد «عربستان» سعودی بشود.

الحمد لله سال اولی که چاپ شد دوستان «عربستان» بردند، گرچه بعضی‌ها را در فرودگاه «جده» گرفتند و مصادره و ضبط کردند؛ ولی تعدادی را آن‌جا بردند و به بعضی از علمای «مکه» و «مدینه» دادند و به «ریاض» هم بردند و به دست «قفاری» هم این جواب را دادند.

حضرت آیت‌الله العظمی «سبحانی» نقل می‌کرد می‌گفت یک مقاله‌ی من از «قفاری» دیدم از نوشتن کتابش اظهار ندامت کرده، البته ایشان فرمودند که این جواب شما، باعث شد که ایشان اظهار ندامت کند.

ما یک شب افطار جایی دعوت بودیم حاج آقای «سبحانی» و حاج آقای «مکارم» هم بودند آقای «سبحانی» شروع کرد از این کتاب تعریف کردن! فرمود فلانی خیلی خوب جواب دادید قلم خیلی خوبی هم دارد.

حاج آقای «مکارم» قریب به این مضمون فرمود فلانی من ۵۰-۶۰ سال است با آقای «سبحانی» هستم غیر از کتاب خودش از هیچ کتابی تعریف نمی‌کند؛ ولی این کتاب شما معلوم است خیلی خوب است که ایشان دارد تعریف می‌کند! گفتم ایشان بزرگوار هستند و ذره پروری می‌کنند، ما فقط یک کلمه نقد را آن‌جا گذاشتیم، این کتاب را یکی از دوستان من از دانشگاه آزاد «تاکستان» ترجمه کرد، ما دیدیم بنده خدا خیلی از اصطلاحاتی را که ما به کار بردیم متوجه نشده، یکی از دوستان از اساتید دانشگاه «کرج» ترجمه کرد، آن را هم دیدیم آن را که ما می‌خواستیم نیست!

یکی از شاگردان ما هم این کتاب را ترجمه کرد دیدیم باز خیلی مورد قبول واقع نشد؛ هم کتاب خیلی قوی است؛ یعنی حالت تخصصی بلکه فوق تخصصی دارد، الحمد لله ما هم تلاش کردیم خیلی فراتر از آنچه که او تصور می‌کرد جواب دادیم البته خود اهل بیت کمک کردند.

اخيراً یکی از مترجمینی که در «پژوهشکده سپاه» است، ایشان چند صفحه‌ی ترجمه کرد به من داد دیدم واقعاً متوجه شده! ما بحث‌های «رجالی»، «درایه»، «فقهی»، «کلامی» داریم، من دیدم این بنده خدا کاملاً داخل گود است ایشان ترجمه کرد، ما دادیم دوستان دیگر هم دیدند و ویراش هم کردند جلد اولش را من دیدم با این که دوستان دیده بودند من باز هم دیدم که سی - چهل موردی را اشتباهی ترجمه کردند اصلاح کردیم.

جلد دوم را هم دوستان ما دیدند دادند که ما ببینیم تا برای چاپ آماده بشود نمی‌دانم قبل از ظهور ولی عصر بعد از ظهور ولی عصر بنا است چاپ بشود نمی‌دانم!

پرسش:

چرا خودتان ترجمه نمی‌کنید؟

آیت‌الله دکتر حسینی قزوینی:

عربی نوشتن برای ما راحت‌تر است ترجمه فارسی یک فنی است فقط فهم نیست این که چطوری مطلب را بیان کنیم متوجه هستیم؛ ولی این که به صورت یک قلم سلیس و روان در بیاید این کار هر کسی نیست! من فقط یک جلد کتاب فارسی نوشتم آن هم «وهابیت از منظر عقل و شرع» است، بقیه کتاب‌های که ما نوشتیم عربی است.

دوستان اگر وارد سایت بشوند و آن جا بیایند این کتاب را هم به صورت (اچ تی ام ال) و هم به صورت (پی دی اف) گذاشتیم، می‌توانند دانلود کنند و داشته باشند.

ایشان در کتاب «مذهب شیعة اثنی عشرية» در جلد ۲، صفحه ۸۰ تعبیرش به این صورت است:

«وَأَنَّ وِرَاءَ دَعْوَى غَيْبَةِ الْإِمَامِ وَانْتِظَارِ رَجْعَتِهِ الرَّغْبَةَ فِي الْأَسْتِثْنَاءِ بِالْأَمْوَالِ»

أصول مذهب الشعية الإمامية الإثني عشرية عرض ونقد - (ج ۲ / ص ۸۲۲)

در زمان غیبت حضرت مهدی منتظر هستند که او رجعت کند این‌ها تصمیم گرفتند که باید یک اموالی به دست بیاورند و با این اموال مراجع، زندگی خودشان را ادامه بدهند؛ لذا بر این مبنا آمدند قضیه «خمس» را تأسیس کردند و عملیات قتل و غارت هم بر همین محور است.

«ولعل من أسباب القول بالمهدوية والغيبة أيضاً تطلع الشيعة إلى قيام كيان سياسي لهم مستقل عن دولة الإسلام...»

همچنین در جلد ۳ ایشان می‌گویند این‌ها فریب می‌دهند که ما صحابه را سب نمی‌کنیم و چنین و چنان می‌کنیم و حال آن‌که در کتاب‌های شان چنین و چنان است و از جمله کارهای که انجام می‌دهند بحث «خمس» است.
در هر صورت...

در کتاب «پروتوکلات» شان تعبیرش این است که:

«فهذا قول لم يقله قط أحد من الصحابة لا علي ولا غيره، ولا أحد من التابعين لهم بإحسان»

تا آن تعبیری که ایشان در مورد «خمس» دارد:

«لا يعرفها دين الإسلام»

اصلاً اسلام، همچنین چیزی را که این‌ها دارند نمی‌شناسد.

بروتوکولات آیات قم حول الحرمین المقدسین - (ج ۱ / ص ۱۱ و ۱۲)

ما مطالب زیادی از این‌ها داریم بیش از ۵۰-۶۰ نفر از بزرگان‌شان ما ضبط کردیم که این‌ها در رابطه با «خمس» شبهاتی دارند، ما در جواب این‌ها که می‌گویند اصلاً اسلام این را نمی‌شناسد و از بدعت‌های شیعه

است، امیر المؤمنین و دیگر صحابه همچنین چیزی را معتقد نبودند و ائمه از امام سجاد تا امام صادق (سلام الله علیهم) هیچ کدامشان معتقد به «خمس» نبودند امیر المؤمنین «خمس» نگرفته است! ما اول از «صحیح بخاری» جواب می‌دهیم:

« أَنْ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ أَرْسَلْتُ إِلَى أَبِي بَكْرٍ تَسْأَلُهُ مِيرَاثَهَا مِنَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ... وَمَا بَقِيَ مِنْ خُمْسِ خَيْبَرَ »

الجامع الصحيح المختصر ، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي الوفاة: ۲۵۶ ، دار النشر : دار ابن كثير , اليمامة - بيروت - ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷ ، الطبعة : الثالثة ، تحقيق : د. مصطفى ديب البغا، ج ۳، ص ۱۳۶۰، ح ۳۵۰۸

صدیقه طاهره هم معتقد به «خمس» بوده و هم خمسی را که ابوبکر مصادره کرده و در نزدش بود، این را مطالبه کرده است؛ ایشان می‌گوید دین اسلام «خمس» را نمی‌شناسد «خمس» از بدعت‌های شیعه است، بفرمایید!

پرسش:

استاد! غنیمت جنگ خیبر بوده است

آیت‌الله دکتر حسینی قزوینی:

نه، خمس خیبر ربطی به غنیمت ندارد

پرسش:

در جنگ خیبر غنیمت به دست آوردند

آیت‌الله دکتر حسینی قزوینی:

«فدک» و چیزهای دیگر کاملاً جدا است، حالا هر چه که بوده است، این‌ها می‌گویند «خمس» از بدعت‌های شیعه است.

پرسش:

غنیمت را که به عنوان خمس قبول دارند؟

آیت‌الله دکتر حسینی قزوینی:

غنیمت را قبول دارند؛ ولی می‌گویند غنیمت با رحلت پیغمبر تمام شد و وجوب «خمس» با موت پیغمبر ساقط شد!

می‌گوید:

«سقط وجوبه بموت النبی»

این‌که:

« وما بقی من خمس خَیْبَر »

می‌گوید این چیست؟

یا «ابن ابی الحدید» در «شرح نهج البلاغه» دارد:

«وهو سهم ذوی القربی»

شرح نهج البلاغة ، اسم المؤلف: أبو حامد عز الدين بن هبة الله بن محمد بن محمد بن أبي الحديد

المدائني الوفاة: ٦٥٥ هـ ، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت / لبنان - ١٤١٨هـ - ١٩٩٨م ، الطبعة:

الأولى ، تحقيق: محمد عبد الكريم النمري، ج ١٦، ص ١٣٥.

وقتی که صدیقه طاهره مطالبه می‌کند!

همچنین در «تاریخ مدینه منوره» که از معتبرترین کتاب‌های این‌ها است صدیقه طاهره می‌آید این آیه قرآن را قرائت و از ابوبکر حقیقت را مطالبه می‌کند:

(وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَأَنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ...)

و بدانید که هر چیزی را به غنیمت گرفتید یک پنجم آن برای خدا و پیامبر و برای خویشاوندان [او] و یتیمان و بینوایان و در راه‌ماندگان است ...

سوره انفال (۸): آیه ۴۱

ابوبکر هم می‌گوید:

«وَأَنَا أَقْرَأُ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ الَّذِي تَقْرَأُونَ وَلَمْ يَبْلُغْ عَلَمِي فِيهِ أَنْ الَّذِي قَرَأَ رَسُولُ اللَّهِ هَذَا السَّهْمُ كُلَّهُ مِنْ الْخُمْسِ»

صدیقه طاهره می‌فرماید:

«قَالَ أَفْلكَ هُوَ وَأَقْرَبَائِكَ»

ابوبکر می‌گوید:

«قَالَ لَا وَأَنْتَ عِنْدِي أَمِينَةٌ مَصْدَقَةٌ»

تاریخ المدينة المنورة ، اسم المؤلف: أبو زيد عمر بن شبة النميري البصري الوفاة: ۲۶۲هـ ، دار النشر :
دار الكتب العلمية - بيروت - ۱۴۱۷هـ-۱۹۹۶م ، تحقیق : علی محمد دندل و یاسین سعد الدین بیان ج
۱، ص ۱۳۱

الی آخر احتجاج صدیقه طاهره با ابوبکر!

در اوائل «تاریخ اسلام ذهبی» هم دارد که صدیقه طاهره می آید به آیه «خمس» بر حقوقی استدلال می کند که
ابوبکر اینها را تصرف کرده بود؛ پس این که با رحلت پیغمبر «خمس» ساقط شد این بر خلاف «صحیح
بخاری» و بر خلاف عباراتی است که آورده اند!

پرسش:

حاج آقا! مگر جنگ خیبر مربوط به حیات رسول الله نبوده؟

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

بله، می گوید با مرگ پیغمبر «خمس» هم تمام شد. عبارت «ابن تیمیه» این بود.

پرسش:

همان خمس قبل را می خواهد نه خمس چیزی که الان باقی مانده است.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

چیزهای دیگر را می آورد که دارد: «سقط بموت النبی» با مرگ پیغمبر «خمس» ساقط شد و رفت.

پرسش:

حاج آقا! عرض ما این است که الان حضرت صدیقه «خمس» نمی‌خواهد می‌گوید آن‌که آن روز به عنوان «خمس» از این غنائم جدا شد آن را بدهید.

آیت‌الله دکتر حسینی قزوینی:

آن را هم این‌طوری جواب می‌دهد:

«نحن معاشر الأنبياء لا نورث ما تركنا صدقة»

الكشف والبيان (تفسير الثعلبي) ، اسم المؤلف: أبو إسحاق أحمد بن محمد بن إبراهيم الثعلبي
النيسابوري الوفاة: ٤٢٧ هـ - ١٠٣٥ م ، دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت - لبنان - ١٤٢٢ هـ -
٢٠٠٢ م ، الطبعة: الأولى ، تحقيق: الإمام أبي محمد بن عاشور ، مراجعة وتدقيق الأستاذ نظير الساعدي،

ج ٤ ص ٣٥٩

پرسش:

این یک بحث دیگر است

آیت‌الله دکتر حسینی قزوینی:

در هر صورت...

این‌که آیا این «خمس»، غنیمت جدیدی است یا غنیمت زمان رسول اکرم است؟ صدیقه طاهره به چه عنوانی این «خمس» را می‌خواهد؟ به عنوان ارث!

پرسش:

بله به عنوان ارث.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

معتقد هستند که پیغمبر ارث نمی‌گذارد

پرسش:

اشکال ندارد، برای بحث «خمس» به این نمی‌توانیم استناد بکنیم؛ ولی برای بحث ارث چرا؛ بحث ما این است.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

بینید ایشان می‌گویند دین اسلام چیزی به نام «خمس» نمی‌شناسد و «خمس» که در قرآن برای غنائم جنگی است این هم با رحلت نبی مکرم و جوبش رفت! حالا این «خمس» چه زمان پیغمبر بوده این حقیقت به خلیفه پیغمبر رسید، چه بعد از پیغمبر بوده این هم باز حق امام و خلیفه است؛ ولذا حتی در همین هم که بوده به حضرت ندادند!

پس در این است که آیا ائمه اهل بیت و معصومین معتقد به «خمس» هستند یا نه؟ بحث «فدک» بحث ملک شخصی است، در بحث «خیبر» می‌گویند خمس من را بدهید؛ یعنی «خمس» که پیغمبر در اختیار این‌ها قرار داده بود و این‌ها در حقیقت تصرف کردند؛ یعنی چیزی نبود که در اختیار ابوبکر باشد، ابوبکر در زمان پیغمبر کاره ای نبود؛ پس این «خمس» را ابوبکر از کجا تصرف کرده است؟

اگر در زمان پیغمبر این «خمس» مربوط به رسول اکرم بوده؛ ابوبکر عامل پیغمبر، نماینده پیغمبر و خلیفه پیغمبر که نبود! پس چه کاره‌ی پیغمبر بوده است؟ تمام این‌ها در اختیار اهل بیت بوده است؛ لذا آمدند از این‌ها غصب کردند می‌گویند این اموالی که از «خمس» در اختیار من بوده برداشتید و تصرف کردید اموال من را بدهید و استناد هم به آیه «خمس» می‌کنند!

اجازه بدهید یک مقدار بحث جلوتر برود.

در «مناقب ابن مردویه» متوفای ۴۱۰ است که امیر المؤمنین (سلام الله علیه) در شوری آمد و با آن پنج نفر دیگر محاجّه کرد و فرمود:

«أما و الله لأحاجّهم بخصال لا تستطيع عربهم و لا عجمهم المعاهد منهم و المشرك أن ينكر منها خصلة واحدة»

من در این جا به مطالبی احتجاج می‌کنم که هیچ کس نمی‌تواند انکار کند.

شامی، یوسف بن حاتم، الدر النظیم فی مناقب الأئمة اللہامیم، جلد، جامعه مدرسین - قم، چاپ: اول، ۱۴۲۰ ق، ص ۳۳۰

باز در این جا مواردی که وجود دارد:

«انشدکم باللہ أمنکم أحد کان يأخذ الخمس غیری و غیر فاطمة؟»

آیا کسی غیر از من و فاطمه «خمس» را تصرف کرده؟

تاریخ «خمس» امیر المؤمنین بیان می‌کند!

«قالوا: اللّٰهُمَّ لا»

به خدا نه!

همچنین همین تعبیر را «سیوطی» در «جامع الاحادیث» دارد:

«أفیکم أحد کان يأخذ الخمس غیری و غیر فاطمة؟ قالوا: اللّٰهُمَّ لا»

جامع الاحاديث (الجامع الصغير وزوائده والجامع الكبير) ، اسم المؤلف: الحافظ جلال الدين عبد

الرحمن السيوطي الوفاة: ١٩/جمادى الاولى / ٩١١هـ ، دار النشر: ج ١٢، ص ٥٥

«ابن عساکر» در «تاریخ دمشق» همین تعبیر را دارد؛ اما این آقا می‌گوید علی ابن ابیطالب در دوران خلافتش «خمس» نگرفت بفرمایید «سنن کبری بیهقی» متوفای ٤٥٨ است ایشان دارد:

«عن الشعبي قال جاء رجل إلى علي رضي الله عنه فقال إني وجدت ألفا وخمس مائة درهم في خربة
في السواد»

سواد قسمت‌های از کشور «عراق» است که در آن‌جا کشت و زرع بوده و از آن به سواد عراقی تعبیر می‌کردند.

می‌گوید من ١٥٠٠ درهم در یک خرابه‌ای پیدا کردم حضرت مطالبی را گفت بعد فرمود:

«فلك أربعة أخماسه ولنا الخمس»

چهار پنجمش مال خودت است یک پنجم «خمس» مال ما است.

این‌که می‌گوید علی ابن ابی طالب معتقد به «خمس» نبوده، «خمس» در دورانش نگرفته این هم ١٥٠٠ درهم «خمس» است که حضرت دریافت کرده است و حضرت فرمود:

«فلك أربعة أخماسه ولنا الخمس»

بعدا دارد:

«ثم الخمس لك»

سنن البيهقي الكبرى ، اسم المؤلف: أحمد بن الحسين بن علي بن موسى أبو بكر البيهقي الوفاة: ٤٥٨ ،

دار النشر: مكتبة دار الباز - مكة المكرمة - ١٤١٤ - ١٩٩٤ ، تحقيق: محمد عبد القادر عطا، ج ٤، ص ١٥٦

این که ما «خمس» را به تو می بخشیم یا نمی بخشیم آن بحث جدای است!

همچنین در کتب شیعه با سندهای کاملاً معتبر و صحیح از امیر المؤمنین (سلام الله علیه) آمده است:

عَنْ عَلِيٍّ (عليه السلام) قَالَ: وَأَمَّا مَا جَاءَ فِي الْقُرْآنِ... فَقَوْلُهُ (وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ حُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ - وَ لِذِي الْقُرْبَى وَ الْيَتَامَى وَ الْمَسَاكِينِ) فَجَعَلَ لِلَّهِ حُمُسَ الْغَنَائِمِ وَ الْحُمُسُ يُخْرَجُ مِنْ أَرْبَعَةِ وُجُوهِ مِنَ الْغَنَائِمِ الَّتِي يُصَيَّبُهَا الْمُسْلِمُونَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَ مِنَ الْمُعَادِنِ وَ مِنَ الْكُفُوزِ وَ مِنَ الْغُوصِ.

شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، ۳۰ جلد، مؤسسه

آل البيت عليهم السلام - قم، چاپ: اول، ۱۴۰۹ ق، ج ۹، ص ۴۹۰

این هم فرمایش حضرت امیر است.

پرسش:

حاج آقا! در روایت کلمه «خمس» است؛ ولی از کجا «خمس» فقهی از آن در می آید:

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

کدام، از این چه در می آید؟

پرسش:

حضرت فرمود «فلك أربعة أخماسه ولنا الخمس» چهار پنجمش مال تو و یک پنجمش مال ما است

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

می گوید در یک خرابه‌ی گنجی پیدا کردم چه کار کنم؟ حضرت می گوید گنج پیدا کردی یک پنجمش مال ما

است چهار پنجمش هم مال شما است.

پرسش:

در روایات قانون کلی را می‌گویند چون این گنج است، این جا اگر قانون آمده بود به این روایت می‌شد استناد بکنیم؛ ولی حضرت مستقیم می‌فرماید که چهار پنجمش مال تو، یک پنجمش مال ما، از آن «خمس» فقهی در نمی‌آید.

آیت‌الله دکتر حسینی قزوینی:

پس از آن چه در می‌آید؟

پرسش:

حضرت دارد تقسیم می‌کند این قدرش مال تو و این قدرش هم مال من!

آیت‌الله دکتر حسینی قزوینی:

این بابا رفته زحمت کشیده و گنج را در آورده بعد بگوید بیا یک پنجمش را به من علی بده به چه مناسبتی!

پرسش:

مناسبتش در این روایت در نمی‌آید

آیت‌الله دکتر حسینی قزوینی:

آخر عزیز من! حضرت دارد می‌گوید: «ولنا الخمس» اصلاً «خمس» اصطلاحاً به چه معنا است؟

پرسش:

«خمس» به یک پنجم می‌گویند

آیت‌الله دکتر حسینی قزوینی:

نه همچنین چیزی نیست! «ولنا الخمس»، «خمس» در آیه قرآن در زمان رسول اکرم به عنوان یک موضوع فقهی در میان همه مطرح بوده، «خمس» که می‌گفتند یک پنجم منظور نبود، همان «خمس» مصطلح فقهی مد نظر بود؛ در عصر پیغمبر حقیقت شرعی شده است.

شما ببینید این همه در این جنگ‌ها و غیره پیغمبر غنائم گرفته گفته «خمسش» مال من است مابقی مال شما این‌که می‌گوید «ولنا الخمس»، انصرافش به همان «خمس» متشرعه به عنوان حقیقت شرعی است! مورد دیگر مردی خدمت حضرت علی (سلام الله علیه) می‌آید این مربوط به زمان حکومت حضرت است

« يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَصَبْتُ مَالًا أَغْمَضْتُ فِيهِ »

مال حلالِ مخلوط به حرام شده چه کار کنم؟

حضرت فرمود:

«أَفَلِي تَوْبَةٍ قَالَ اثْنِي بِخُمْسِهِ فَأَتَاهُ بِخُمْسِهِ»

یک پنجم خمسش را به من بده

«فَقَالَ هُوَ لَكَ إِنَّ الرَّجُلَ إِذَا تَابَ تَابَ مَالُهُ مَعَهُ»

شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، ۳۰ جلد، مؤسسه

آل البيت عليهم السلام - قم، چاپ: اول، ۱۴۰۹ ق، ج ۹؛ ص ۵۰۶

حضرت دستور می‌دهد «خمس» را به من بده این‌که می‌گوید حضرت علی چنین و چنان نکرده همه این‌ها حرف‌های بی‌اساسی است که آقایان دارند.

پرسش:

حاج آقا! شما از اهل سنت مثال آورید، از شیعه هم مثال آورید اگر یک اهل سنتی بگوید این مثال‌های که شما از شیعه آوردید که ما قبول نداریم، این مثال‌های هم که شما از کتب اهل تسنن آوردید، آن چیزی که حضرت به صحابه آمدند استناد کردند گفتند آیا غیر از من و فاطمه کسی از اصحاب بود که زمان رسول الله «خمس» به او تعلق بگیرد؟ گفتند «لا والله»، این حرف اهل سنت را رد نمی‌کند؛ یعنی آن‌ها می‌گویند بله زمان حیات رسول الله «خمس» به شما تعلق می‌گرفت بنا بر آن چیزی که زمان رسول الله بود.

آیت‌الله دکتر حسینی قزوینی:

احسنت به این‌ها تعلق می‌گرفت! آیا آیه و روایتی داریم که این حکم، نسخ شده است؟

«حَلَالٌ مُّحَمَّدٍ حَلَالٌ أَبْدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ حَرَامُهُ حَرَامٌ أَبْدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»

کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی (ط - الإسلامية)، ۸ جلد، دار الکتب الإسلامية - تهران،

چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ ق، ج ۱؛ ص ۵۸

اگر زمان پیغمبر «خمس» مال این‌ها بوده، آیه‌ی هم که بیاید این را نسخ کند نیامده، سنت قطعیه هم که نسخ نکند نیامده است!

پرسش:

شاید تقاضا نمی‌کردند.

پرسش ۲:

نه می‌خواهند «علی المبنی» جواب بدهید؛ یعنی مبنای آن‌ها این است که در زمان رسول الله، «خمس» بوده ولی بعد از رسول الله...

آیت‌الله دکتر حسینی قزوینی:

«خمس» مال چه کسی بوده؟

پرسش:

مال اهل بیت رسول الله

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

اهل بیت رسول الله، بعد از رحلت پیغمبر چه شد؟ دادند؟

پرسش:

ندادند!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

احسنت! پس این که آقایان می گویند اسلام چیزی به نام «خمس» نمی شناسد، حتی این ها غنائمش را هم زیر سوال می برند، یا مثلاً می گویند «خمس» را شیعه ها ساختند، اصل وجوب «خمس» را «ابن تیمیه»، «بخاری» و دیگران زیر سوال می برند.

این که آقایان مطالبی در رابطه با «خمس» و غیره دارند ما دوباره آن ها را به طور مفصل بحث می کنیم.

در «صحیح مسلم» دارد که از «ابن عباس» سوال کردند

«تَسْأَلُنِي عَنِ الْخُمْسِ لِمَنْ هُوَ؟»

مال چه کسی است؟

«ابن عباس» گفت:

«وَإِنَّا كُنَّا نَقُولُ هُوَ لَنَا فَأَبَى عَلَيْنَا قَوْمُنَا ذَلِكَ»

ما می گوئیم «خمس» مال ما ساداتِ هاشمی ها است.

صحیح مسلم ، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسین القشیری النیسابوری الوفاة: ۲۶۱ ، دار

النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت ، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج ۳، ص ۱۴۴۴، ح ۱۸۱۲

ولی «قومنا» قریشیها؛ یعنی ابوبکر و عمر و غیره «أَبَى ذَلِكْ»! این مال «صحیح مسلم» است؛ یعنی کُلّاً و مطلق هم است، بحث سر غنائم و غیر غنائم نیست.

«احمد ابن حنبل» در «مسند» خودش می گوید:

« نَرَى قَرَابَةَ رَسُولِ اللَّهِ هُمْ فَأَبَى ذَلِكْ عَلَيْنَا قَوْمُنَا »

مسند الإمام أحمد بن حنبل ، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني الوفاة: ۲۴۱ ، دار النشر:

مؤسسة قرطبة - مصر، ج ۱، ص ۲۴۸، ح ۲۲۳۵

امام «شافعی» در کتاب «احکام القرآن» می گوید:

«قال الشافعي رحمه الله ويقسم سهم ذي القربى على بني هاشم وبني المطلب»

أحكام القرآن ، اسم المؤلف: محمد بن إدريس الشافعي أبو عبد الله الوفاة: ۲۰۴ ، دار النشر: دار الكتب

العلمية - بيروت - ۱۴۰۰ ، تحقيق: عبد الغني عبد الخالق، ج ۱، ص ۱۵۸

«شافعی» متوفای ۲۰۴ است؛ یعنی در حقیقت ۱۹۰ سال بعد از رحلت پیغمبر است، ایشان می گوید «سهم ذوی

القربی» باید به «بنی هاشم» داده بشود.

«علاء الدین کاشانی» از فقهای مشهور «احناف» است از او تعبیر به «مَلِکُ الْعُلَمَاء» می‌کنند ایشان همین را از امام «شافعی» نقل می‌کند:

«وَيُضَرَفُ إِلَى أَوْلَادِ بَنِي هَاشِمٍ مِنْ أَوْلَادِ سَيِّدَتِنَا فَاطِمَةَ رَضِيَ اللَّهُ تَعَالَى عَنْهَا»

بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع ، اسم المؤلف: علاء الدين الكاساني الوفاة: ٥٨٧ ، دار النشر : دار

الكتاب العربي - بيروت - ١٩٨٢ ، الطبعة : الثانية ج ٧ ، ص ١٢٥

«ابو حامد غزالی» در کتاب «اصولی» خودش به نام «المستصفی» می‌گوید:

«أراد بذي القربى بني هاشم وبني المطلب دون بني أمية وكل من عدا بني هاشم»

المستصفی في علم الأصول ، اسم المؤلف: محمد بن محمد الغزالي أبو حامد الوفاة: ٥٠٥ ، دار النشر :

دار الكتب العلمية - بيروت - ١٤١٣ ، الطبعة : الأولى ، تحقيق : محمد عبد السلام عبد الشافي، ج ١، ص

١٩٣

«ابو داود» در «صحيح سنن» برای «آلبانی» ایشان می‌گوید:

«فِيمَا قَسَمَ مِنَ الْحُمُسِ بَيْنَ بَنِي هَاشِمٍ وَبَنِي الْمُطَلِبِ فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَسَمْتَ لِإِخْوَانِنَا»

سنن أبي داود - (ج ٨ / ص ٢١٠)

حتی بعضی از مفتیان معاصر ما مانند علامه «مفتی خدا نظر» که از مفتیان مشهور «زاهدان» است و غالب

اینهای که لقب «مفتی» و «مولانا» و غیره دارند از شاگردان ایشان هستند.

ایشان می‌گوید دادن «زکات» به سید جایز نیست در «نوادر» از امام اعظم، علت تحریم «زکات» این است که این‌ها غسله‌ی مال و چرک مال است نه تقرر «خمس» و این علت در هر زمانی محقق باشد؛ پس «خمس» به جای «زکات» در اختیار سادات قرار می‌گیرد.

ایشان می‌گوید از ائمه نیامده شما ببینید ما شاید بالای ۷۰-۸۰ تا روایت داریم، غالب این روایت‌ها هم یا موثقه یا صحیحه است.

از امام باقر (سلام الله علیه) من این‌ها را به ترتیب امام آوردم

«قَرَأْتُ عَلَيْهِ آيَةَ الْخُمْسِ فَقَالَ مَا كَانَ لِلَّهِ فَهُوَ لِرَسُولِهِ وَ مَا كَانَ لِرَسُولِهِ فَهُوَ لَنَا»

صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم، جلد، مكتبة آية الله

المرعشي النجفي - إيران؛ قم، چاپ: دوم، ۱۴۰۴ ق، ج ۱؛ ص ۲۹

در این جا بحث این است که «ابن تیمیه» می‌گوید تمام این چیزهای که از قول ائمه آورده‌اند همه دروغ است، اگر دروغ است با عینک تو دروغ است، یا نه از دیدگاه شیعه دروغ است! اگر از عینک تو باشد شیعه از اول تا آخر عقایدش که از امامت ائمه گرفته عصمت ائمه گرفته تمام معتقدات شیعه از دیدگاه تو دروغ است!!

شیعه، تابع شما که نیست، شیعه برای خودش قانون، فقه، اصول و رجال دارد بر مبنای این، شیعه آمده مبانی اعتقادی خودش را استوار کرده است.

«قفاری» می‌گوید اصلاً در زمان ائمه «خمس» نبود در زمان غیبت صغری این «خمس» جعل شد! ما ده دوازده تا روایت از امام صادق (سلام الله علیه) داریم که بعضی‌ها موثقه هست و بعضی صحیحه است.

«كُلُّ شَيْءٍ قُوتِلَ عَلَيْهِ عَلَى شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ فَإِنَّ لَنَا خُمْسَهُ وَ لَا يَجِلُّ لِأَحَدٍ

أَنْ يَشْتَرِيَ مِنَ الْخُمْسِ شَيْئاً حَتَّى يَصِلَ إِلَيْنَا حَقُّنَا»

کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی (ط - الإسلامية)، ۸ جلد، دار الکتب الإسلامية - تهران،

چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ ق، ج ۱: ص ۵۴۵

در کتاب «وسائل» از امام باقر (سلام الله علیه) داریم:

«مَنْ اشْتَرَى شَيْئاً مِنَ الْخُمْسِ لَمْ يَغْزِهِ اللَّهُ اشْتَرَى مَا لَا يَجِلُّ لَهُ»

شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، ۳۰ جلد، مؤسسه

آل البيت عليهم السلام - قم، چاپ: اول، ۱۴۰۹ ق، ج ۹: ص ۴۸۴

آیا این مال غیبت صغری است؟

همچنین از امام صادق (سلام الله علیه):

«لَمَّا حَرَّمَ عَلَيْنَا الصَّدَقَةَ أَبَدَلْنَا بِهَا الْخُمْسَ فَالْصَّدَقَةُ عَلَيْنَا حَرَامٌ وَ الْخُمْسُ لَنَا فَرِيضَةٌ وَ الْكِرَامَةُ لَنَا حَلَالٌ»

شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، ۳۰ جلد، مؤسسه

آل البيت عليهم السلام - قم، چاپ: اول، ۱۴۰۹ ق، ج ۹: ص ۲۷۰

باز روایت دیگر از امام صادق (سلام الله علیه) داریم همان تعبیر در یک روایت دیگر را دارد.

روایت بعدی بازهم از امام صادق (سلام الله علیه) که می فرماید:

«إِنِّي لَأَخْذُ مِنْ أَحَدِكُمْ الدَّرْهَمَ وَ إِنِّي لَمِنْ أَكْثَرِ أَهْلِ الْمَدِينَةِ مَالًا»

من امام صادق احتیاجی به «خمس» ندارم.

«مَا أُرِيدُ بِذَلِكَ إِلَّا أَنْ تُطَهَّرُوا»

کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی (ط - الإسلامية)، ۸ جلد، دار الکتب الإسلامية - تهران،

چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ ق، ج ۱: ص ۵۳۸

از امام کاظم (سلام الله علیه) داریم که فرمود «خمس» در پنج چیز: غنائم، غوص، کنوز، معدن و ملاحه واجب است.

از امام کاظم (سلام الله علیه) هم داریم:

«فِي كُلِّ مَا أَفَادَ النَّاسُ مِنْ قَلِيلٍ أَوْ كَثِيرٍ»

کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی (ط - الإسلامية)، ۸ جلد، دار الکتب الإسلامية - تهران،

چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ ق، ج ۱: ص ۵۴۵

یکی از بحث‌های اختلافی است که آن‌ها خیلی روی آن مانور می‌دهند می‌گویند «خمس»، «ارباح مکاسب» از چیزهای است که در زمان غیبت صغری فقهاء دیدند درآمدی ندارند این «خمس» را جعل کردند، بفرمایید این هم روایت آقا امام کاظم (سلام الله علیه) بود که در این مورد قرائت کردیم.

از امام رضا (سلام الله علیه):

«وَالْخُمْسُ مِنْ جَمِيعِ الْمَالِ مَرَّةً وَاحِدَةً»

ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله، اجلد، جامعه

مدرسین - قم، چاپ: دوم، ۱۴۰۴ / ۱۳۶۳ ق، ص ۴۱۸

روایت دیگر از امام رضا (سلام الله علیه):

«أَنَّ الْخُمْسَ بَعْدَ الْمُؤْنَةِ»

وسائل الشیعة (الإسلامیة) - الحر العاملی - ج ٦ ص ٣٥٤

همچنین از امام جواد (سلام الله علیه) روایت داریم؛ یعنی این قضایای «خمس» در زمان ائمه (علیهم السلام) به عنوان یک امر فریضه‌ی قطعی واجب در میان شیعه فرهنگ شده بود، ارتباطی به زمان غیبت، ارتباطی به این‌که فقهاء بیایند برای تأمین مالی‌شان وضع کنند ندارند.

پرسش:

استاد در بین علمای سلف و متأخر از خود شیعه ما کسی را نداریم مخالف وجوب «خمس» باشد؟

آیت‌الله دکتر حسینی قزوینی:

نه، من ندیدم، «خمس» از ضروریات فقه شیعه است.

پرسش:

ما جدیداً از بعضی علماء می‌شنویم که این‌ها یک مقدار حرف دارند

آیت‌الله دکتر حسینی قزوینی:

می‌شنوید، ان شاء الله که به قولی گربه بود!!

یا از امام هادی، امام عسکری، تمام این بزرگوران روایت دارند! شما ببینید ما از آقا امیر المؤمنین گرفتیم طبقه‌بندی کردیم تا امام عسکری آمدیم، که از تک تک ائمه (علیهم السلام) حداقل شش - هفت تا روایت ما در رابطه با وجوب «خمس» داریم این را ما آوردیم برای این‌که ثابت بشود بحث «خمس» ارتباطی به زمان غیبت ندارد.

از زمان ائمه (علیهم السلام) فقط من نتوانستم از آقا امام حسن و امام حسین پیدا کنم؛ چون در زمان سه امام بزرگوار، امام حسن، امام حسین و امام سجاد شیعه واقعاً در غربت بود و ائمه (علیهم السلام) توان نشر فرهنگ اهل بیت را نداشتند.

از زمان امام باقر (سلام الله علیه) که یک مقدار فضا باز شد انبوه این روایات از ائمه آمده، از امام باقر گرفته تا امام عسکری (سلام الله علیه) از حضرت ولی عصر هم داریم:

«لعنة الله والملائكة والناس أجمعين على من أكل من مالنا درهما حراما»

وسائل الشیعة (آل البيت) - الحر العاملي - ج ۹ ص ۵۴۱

از همه ائمه ما روایت داریم اگر فقهاء می‌گویند «خمس» واجب است، برای فتوای خودشان دهها و صدها روایت از ائمه (علیهم السلام) آوردند از امیر المؤمنین گرفته تا حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه)!

پرسش:

پس این روایاتی که در باب حلیت در زمان غیبت داریم چه است؟

آیت‌الله دکتر حسینی قزوینی:

بحث آن جدا است حلیت را قاطی این قضیه نفرمایید. خواستید بحث کنید من تقریباً دو سال بحث خارج فقه مقارن را اختصاص به فقه دادیم در سایت «ولی عصر» بحثش است.

روایاتی که در حلیت «خمس» داریم بعضی‌ها مطلق است، مطلقات هم مقید بشود به آن روایاتی که از ائمه است که ما حلال کردیم برای شیعیان‌مان تا نسل‌شان پاک بشود.

چون در زمان «بنی امیه»، «بنی العباس» جنگ‌های صورت می‌گرفت اسرایی را می‌آوردند کنیز و غیره در میان مردم منتشر می‌کردند و می‌فروختند وقتی که این جهاد، جهاد غیر مشروع است، اموالی که به غنیمت می‌گیرند هم غیر مشروع است، کنیزهای که می‌آورند غیر مشروع است غلام‌های که می‌گیرند غیر مشروع است.

کسی هم که روی این‌ها معامله کند غیر مشروع است؛ یعنی اگر در جهاد صد تا کنیز آوردند در بازار می‌فروشند بنده یا جنابعالی می‌خریم در حقیقت با این خریدن ما یک زن و دختری که حرّه است را به عنوان کنیز می‌خریم و همبستر شدن با این کنیز زنا است و فرزندانش نیز زنا زاده هستند.

ائمه (علیهم السلام) در این قسم شیعه را در حلّ قرار دادند تا نسل‌شان ناپاک نشود، روایاتی که ما داریم مطلقاً را با این دسته از روایات مقید می‌کند، اموالی که است این اموال در میان مردم منتشر می‌شود مال حرام است، بنده و شما می‌خواهیم از آن مال بخریم با این مال حرام می‌خواهیم آب بگیریم و غسل کنیم، با این مال حرام می‌خواهیم لباس بگیریم و نماز بخوانیم، ائمه آمدند این را حلال کردند برای این که شیعه «من حیث لا یحتسب» به مشکل بر نخورد.

پرسش:

استاد! این یک توجیهی است که ما می‌خواهیم بکنیم، یا سند دارد؟

آیت‌الله دکتر حسینی قزوینی:

نه، ما روایات داریم

پرسش:

دلیلی بر این داریم که این کار را می‌کنیم

آیت‌الله دکتر حسینی قزوینی:

بله عرض کردم امکانش نیست خدمت شما نشان بدهم. روایات تصریح دارد که ما حلال کردیم

«لتطیب نفوسکم»

یا:

«تطیب ذریاتکم»

این قید روایات است!

پرسش:

استاد «وما يأخذہ السلاطین» این عبارت «عروه» است که آن چیزهای که سلاطین می‌آیند می‌گیرند؛ پس همین ظاهراً می‌شود اگر قرار بر این بود فقه ما، علمای ما خمسش را نباید به ما اجازه می‌دادند پس چطور اجازه دادند؟

آیت‌الله دکتر حسینی قزوینی:

چه اجازه دادند؟

پرسش:

«وما يأخذہ السلاطین» که این‌ها می‌گویند خمسش را بپردازید

آیت‌الله دکتر حسینی قزوینی:

ما کاری با این‌ها نداریم ایشان می‌فرماید این است...

پرسش:

شما می‌فرمایید از راه نامشروع! سلاطین هم اگر از راه نامشروع گرفتند اگر به دست ما رسید خمسش را بدهیم...

آیت‌الله دکتر حسینی قزوینی:

الآن که سلاطین اسیر و غیره که ندارد

پرسش:

فرض کنید زمان «شاه عباس» این اتفاق می‌افتاد

آیت‌الله دکتر حسینی قزوینی:

آن حلال مخلوط به حرام می‌شود ما که نمی‌دانیم؛ ولی در آن زمان مشخص بود غنائم جنگی را می‌آوردند در میان مسلمان‌ها توزیع می‌کردند؛ یعنی مشخص است این مال حرام است یک دفعه است من نمی‌دانم آن بحث دیگری است! یا بعضی از سلاطین اموال حلال دارند، اموال حرام هم دارند آن یک بحث مشخصی است، روایاتی که در رابطه با حلیت است بفرمایید این روایاتش است:

«وَقَدْ طَيَّبْنَا ذَلِكَ لِشِيعَتِنَا لِطَيِّبٍ وَّلَادَتُهُمْ وَّلِتَزْكُو وَّلَادَتُهُمْ»

ما این «خمس» را برای شیعه حلال کردیم...

کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی (ط - الإسلامية)، دار الکتب الإسلامية - تهران، چاپ:

چهارم، ۱۴۰۷ ق، ج ۱؛ ص ۵۴۷

روایت صحیح هم است.

روایت دیگر:

«قَالَ مِنْ قِبَلِ خُمْسِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ إِلَّا شَيْعَتَنَا الْأَطْيَبِينَ»

کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی (ط - الإسلامية)، دار الکتب الإسلامية - تهران، چاپ:

چهارم، ۱۴۰۷ ق، ج ۱؛ ص ۵۴۶

ما این خمس را حلال نکردیم مگر این که:

«فَإِنَّهُ مُحَلَّلٌ لَهُمْ لِمِيلَادِهِمْ»

روایت صحیحہ ہم است.

«أَخْلَلْنَا أُمَّهَاتِ شَيْعَتِنَا لِأَبَائِهِمْ لِيَطِيبُوا»

طوسی، محمد بن الحسن، تہذیب الأحکام (تحقیق خراسان)، دار الکتب الإسلامیہ - تهران، چاپ:

چهارم، ۱۴۰۷ ق، ج ۴؛ ص ۱۴۳

ما یکی دو تا روایت نداریم روایت خیلی زیاد است و از خود حضرت امیر روایت داریم:

«حَلَّلَهُمْ مِنَ الْخُمْسِ يَغْنِي الشُّيْعَةَ لِيَطِيبَ مَوْلِدَهُمْ»

ابن بابویہ، محمد بن علی، علل الشرائع، کتاب فروشی داوری - قم، چاپ: اول، ۱۳۸۵ ش / ۱۹۶۶ م، ج ۲

؛ ص ۳۷۷

این‌ها کاملاً مشخص است!

یا:

«إِبَاحَةُ الْأَرَاذِيِّ الْمَفْتُوحَةِ»

یا:

«مَا مِنْ أَرْضٍ تُفْتَحُ وَلَا حُمْسٍ يُخْمَسُ فَيُضْرَبَ عَلَى شَيْءٍ مِنْهُ إِلَّا كَانَ حَرَاماً عَلَى مَنْ يُصِيبُهُ فَزَجاً كَانَ
أَوْ مَالاً»

کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی (ط - الإسلامية)، دار الکتب الإسلامية - تهران، چاپ:

چهارم، ۱۴۰۷ ق، ج ۸؛ ص ۲۸۶

در بعضی از روایات دارد که:

«إباحة ... والغنائم»

پرسش:

استاد ببخشید! نتیجه را می شود بگویید! آن روایتی که می گوید «خمس» واجب است؛ یعنی تکلیفاً واجب است، این روایتی که ابّحنا می گوید؛ یعنی اثر وضعی اش را بر داشته است.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

در یک مدت خاصی بوده؛ یعنی ابّحنا در حقیقت مثل حکم ثانوی است شیعه در یک جامعه ای زندگی می کند که در این جامعه اسراء را می آورند، اموال و غنائم جنگی را به غصب می آوردند و کاملاً هم مشخص است، ائمه (علیهم السلام) آمدند این را تحلیل کردند برای اینکه شیعه گرفتار این قضایا نشود.

در هر صورت ...

بحث:

(قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى)

بگو به ازای آن [رسالت] پاداشی از شما خواستار نیستم مگر دوستی در باره خویشاوندان

سوره شوری (۴۲): آیه ۲۳

در این که این‌ها چه کسانی هستند؟ در آیه «خمس» هم «وَ لِيذِي الْقُرْبَى» دارد و ما مفصل این را بحث کردیم که مراد از «وَ لِيذِي الْقُرْبَى» چه کسانی هستند؟ امام مجتبی و امام سجاد به آیه «وَ لِيذِي الْقُرْبَى» استناد می‌کنند و بحث لغوی غنیمت را که این‌ها می‌گویند در غنائم جنگی است خیلی از بزرگان اهل سنت آمدند کلمه غنیمت را به معنای ربح گرفتند غنائم جنگی، غنائم جنگی که می‌گویند

(وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ)

بدانید هرگونه غنیمتی به دست آورید

سوره انفال (۸): آیه ۴۱

نیست که: «أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنَ الْأَمْوَالِ فِي الْحَرْبِ بَيْنَ الْمُسْلِمِينَ وَالْكَافِرِينَ وَالْمُشْرِكِينَ» باشد

«غَنِمْتُمْ؛ یعنی ما ربحتم»

«ابن قتیبه دینوری» دارد:

«وَأَصْلُ الْغَنِيمَةِ وَالْغَنَمُ فِي اللُّغَةِ الرِّبْحُ»

غریب الحدیث ، اسم المؤلف: عبد الله بن مسلم بن قتيبة الدينوري أبو محمد الوفاة: ۲۷۶ ، دار النشر :

مطبعة العاني - بغداد - ۱۳۹۷ ، الطبعة : الأولى ، تحقيق : د. عبد الله الجبوري، ج ۱، ص ۲۲۹

«ابن منظور» دارد:

«و غنم الشيء غنما : فاز به »

لسان العرب ، اسم المؤلف: محمد بن مكرم بن منظور الأفریقی المصري الوفاة: ۷۱۱ ، دار النشر : دار

صادر - بیروت ، الطبعة : الأولى ج ۱۲ ص ۴۴۶

«طریحی» هم دارد:

«الغَیْمَةُ فی الأصل هی الفائدة المكتسبة»

طریحی، فخر الدین بن محمد، مجمع البحرین، ۶جلد، مرتضوی - تهران، چاپ: سوم، ۱۳۷۵ش، ج ۶ :

ص ۱۲۹

این ها در لغت باز هم همین بحث را دارند، آقایانی از بزرگان اهل سنت آمدند در ذیل آیه غنیمت گفتند:

«والغنیمة فی اللغة ما یناله الرجل أو الجماعة بسعی»

المحرر الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز ، اسم المؤلف: أبو محمد عبد الحق بن غالب بن عطیة الأندلسی

الوفاة: ۵۴۶هـ ، دار النشر : دار الکتب العلمیة - لبنان - ۱۴۱۳هـ - ۱۹۹۳م ، الطبعة : الاولی ، تحقیق :

عبد السلام عبد الشافی محمد، ج ۲، ص ۵۲۸

حالا این جماعت سعی در جنگ باشد، در جنگل باشد، در زراعت باشد یا در تجارت باشد فرقی نمی کند!

«تفسیر قرطبی»، «تفسیر فخر رازی» و «تفسیر ثعالبی» هم همین تعبیر را دارند «آلوسی» وهابی این طور

تعبیر دارد:

«وغنم فی الأصل من الغنم بمعنی الربح»

روح المعاني في تفسير القرآن العظيم والسبع المثاني ، اسم المؤلف: العلامة أبي الفضل شهاب الدين
السيد محمود الألوسي البغدادي الوفاة: ١٢٧٠هـ ، دار النشر : دار إحياء التراث العربي - بيروت، ج ١٠،
ص ٢

يعنى: «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ؛ أَنَّمَا رَبِحْتُمْ!»! این که یعنی این آقایان آیه غنیمت را به غنائم جنگی اختصاص دادند
در حقیقت هم با فتاویٰ فقهای خودشان و هم با لغت و هم با علمای تفسیرشان نمی‌سازد.

«الخمسة في السنة النبوية» این آقایان می‌گویند ما فقط در غنائم جنگی داریم ولی شما این مطالب را ببینید:

«الركاز ، وفيه وجوب الخمس وهو إجماع العلماء»

عمدة القاري شرح صحيح البخاري ، اسم المؤلف: بدر الدين محمود بن أحمد العيني الوفاة: ٨٥٥هـ ،
دار النشر : دار إحياء التراث العربي - بيروت ج ٩، ص ١٠٣

این را می‌خواهند چه کار بکنند؟ کسی رفته گنجی پیدا کرده، آیا این فرد با بیل و کلنگ در بین خاک و سنگ
جهاد می‌فرمودند! یا آن آقای که به اعماق دریا می‌رود و غواصی می‌کند لؤلؤ و مرجان گیر می‌آورد، با ماهی‌ها و
با آب می‌جنگد! قضیه چیست؟ آقایان حرف‌های می‌زنند که با منابع خودشان هم سازگاری ندارد.

شما ببینید در «صحيح بخارى» این طوری دارد:

«في العَبْرِ وَاللُّؤْلُؤِ الْخُمْسُ»

الجامع الصحيح المختصر ، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي الوفاة: ٢٥٦ ،
دار النشر : دار ابن كثير ، اليمامة - بيروت - ١٤٠٧ - ١٩٨٧ ، الطبعة : الثالثة ، تحقيق : د. مصطفى ديب
البغا، ج ٢، ص ٥٤٤

آیا این هم جهاد است؟

آقایان می آیند یک شعری می گویند و در قافیه اش گیر می کنند! بله، «خمس» فقط در غنائم جنگی است آن هم مال زمان پیغمبر بوده عنبر و لؤلؤ و غیره که در «صحیح بخاری» است بعد از قرآن هم شما می گویند صحیح ترین کتاب است!

آیه قرآنی که دارد می گویند:

(فَعِنْدَ اللَّهِ مَغَانِمٌ كَثِيرَةٌ)

غنیمتهای فراوان نزد خداست

سوره نساء (۴): آیه ۹۴

در نزد خدا، غنیمت های زیادی است؛ یعنی به این معنی است که با خدا بروید بجنگید تا به غنائمی که در نزد خدا است دسترسی پیدا کنید! فقط کلمه غنیمت در آیات غنیمت که نیست در آیات دیگر هم است.

این آقایان دارند می گویند:

«عندالله غنائم كثيرة من رزقه وفضائل نعمته»

«زاد المسیر» به همین شکل دارد:

«فَعِنْدَ اللَّهِ مَغَانِمٌ كَثِيرَةٌ»

زاد المسیر فی علم التفسیر ، اسم المؤلف: عبد الرحمن بن علي بن محمد الجوزي الوفاة: ۵۹۷ ، دار

النشر: المكتب الإسلامي - بيروت - ۱۴۰۴ ، الطبعة: الثالثة، ج ۲ ص ۱۶۹

این طور قضایا زیاد داریم.

در «صحیح بخاری» داریم:

«في الْمَعْدِنِ جُبَارٌ وَفِي الرَّكَازِ الْخُمْسُ»

الجامع الصحيح المختصر ، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي الوفاة: ٢٥٦ ،

دار النشر: دار ابن كثير ، اليمامة - بيروت - ١٤٠٧ - ١٩٨٧ ، الطبعة: الثالثة ، تحقيق: د. مصطفى ديب

البغا، ج ٢، ص ٥٤٥، ح ٦٥، باب في الركاز الخمس

این که مراد از رکاز چیست! آقایان یک بحث جدایی دارند، این که می گویند در معدن، و لؤلؤ و غیره‌ی که از دریا می گیرند «خمس» است این را تحت چه عنوانی می خواهند بیاورند؛ آیا تحت آیه غنیمت می آورند یا نه در سنت رسول الله اصلاً واژه و مسئله «خمس» را جدا آورده است؟

از همه مهم تر افرادی خدمت پیغمبر می آیند و مطالبی را می گویند این مطلب در «صحیح بخاری» است

«إِنَّا نَأْتِيكَ مِنْ شُقَّةٍ بَعِيدَةٍ»

از یک فاصله خیلی دوری آمدند.

«وَبَيْنَنَا وَبَيْنَكَ هَذَا الْحَيُّ مِنْ كُفَّارٍ مُضَرَ وَلَا نَسْتَطِيعُ أَنْ نَأْتِيكَ إِلَّا فِي شَهْرِ حَرَامٍ»

این ها طوری هستند که به ما اجازه خروج از منطقه نمی دهند فقط در شهر حرام که قتل و غارت ممنوع است ما می توانیم بیاییم چه کار کنیم؟ به ما توصیه کن.

حضرت فرمود:

« شَهَادَةٌ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ وَإِقَامُ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءُ الزَّكَاةِ وَصَوْمُ رَمَضَانَ وَتُعْطُوا الْخُمْسَ

من الْمَعْنَمِ»

الجامع الصحيح المختصر ، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي الوفاة: ٢٥٦ ،
دار النشر : دار ابن كثير , اليمامة - بيروت - ١٤٠٧ - ١٩٨٧ ، الطبعة : الثالثة ، تحقيق : د. مصطفى ديب

البغا، ج ١، ص ٤٥، ح ٨٧

...از مَغْنَم «خمس» بدهید

در این جا «خمس» در کنار صلوات و زکات قرار گرفته است! این مَغْنَم چیست؟ آیا جهاد است؟ این ها که
می گویند ما در محاصره کفار هستیم، اصلاً از روستای خودمان نمی توانیم بیرون بیاییم، توان این که در غیر شهر
حرام بیرون بیاییم نداریم!

آیا این:

«وَتُعْطُوا الْخُمْسَ مِنَ الْمَغْنَمِ»

غنائم است یا نه: «الْمَغْنَمُ هُوَ الرِّيحُ» است.

پرسش:

از قول چه کسی است؟

پاسخ:

رسول اکرم دستور می دهد، در «صحيح بخاری» ح ٨٧ است.

پرسش:

از پیامبر سوال پرسیده بود؟

پاسخ:

بله، ما نمی‌توانیم بیاوریم چه کار کنیم یک توصیه‌ی به ما بکنید؟ حضرت می‌فرماید بعد از توحید، نمازتان را بخوانید زکاتتان را بدهید و خمس مالتان را هم بدهید، روزه‌تان را هم بگیرید. این «خمس» چه خمسی است؟

یا در «البدایة والنهایة» دارد پیغمبر اکرم افرادی را به شهرهای مختلف برای گرفتن خمس می‌فرستد:

«ان یأخذ من المغانم خمس الله»

البدایة والنهایة ، اسم المؤلف: إسماعیل بن عمر بن کثیر القرشی أبو الفداء الوفاة: ۷۷۴ ، دار النشر :

مکتبة المعارف - بیروت، ج ۵، ص ۷۷

«ما كتب على المؤمنین من الصدقة» این مربوط به زکات است.

«تاریخ اسلام» «ذهبی» دارد که رسول اکرم افرادی را برای جمع آوری «خمس» عامل قرار داده بود:

«كان رَجُلٌ من بَنِي أَسَدٍ كان رسول الله صلى الله عليه وسلم استعمله على الأحماس»

«وهو رَجُلٌ من بَنِي أَسَدٍ كان رسول الله صلى الله عليه وسلم استعمله على الأحماس»

صحيح مسلم ، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري الوفاة: ۲۶۱ ، دار

النشر : دار إحياء التراث العربي - بيروت ، تحقيق : محمد فؤاد عبد الباقي، ج ۲، ص ۷۵۴، ح ۱۰۷۲

از طرف پیغمبر مأمور بود برود «خمس» اموال را جمع کند. آیا این «خمس»، «خمس» غنائم است! «خمس غنائم» که اصلاً تحویل گرفتن و توزیعش غنائم «کان بید رسول الله» است اصلاً ربطی به «خمس غنائم» نداشته است.

«استعمله على الأحماس»

این را می‌خواهند چه کار بکنند؟ این مطلب در «صحيح مسلم» بود.

در کتاب «البدایة والنهایة» دارد:

«أن تقروا بالخمس»

البدایة والنهایة ، اسم المؤلف: إسماعیل بن عمر بن کثیر القرشي أبو الفداء الوفاة: ۷۷۴ ، دار النشر :

مکتبة المعارف - بیروت، ج ۲، ص ۳۵۲

افرادی مانند «عمرو ابن مُره جُهنی» را برای جمع آوری اخماس مردم می‌فرستد، این «خمس» چه خمسی است؟ یعنی گفته شما بروید با آن قبیله بچنگید اموال‌شان را به دست بیاورید و «خمسش» را جدا کنید و برای من بیاورید، یا نه افرادی را برای تبلیغ شریعت فرستاده است!

این که رسول اکرم افرادی به عنوان عامل و جمع آوری اخماس در زمان خودش قرار داده، این دلیل بر این است که مسئله «خمس» در زمان پیغمبر به عنوان یک امر مشروعی بوده است؛ یعنی چیزی نیست که بعد از پیغمبر مسئله «خمس» تثبیت شده باشد. فقهای‌شان هم همین‌طور «ابو حنیفه» می‌گوید:

"المعادن فيه الخمس في قليلة وكثيره"

«المدونة الكبرى» «امام مالک» می‌گوید در رصاص و نحاس و لؤلؤ و یاقوت و جمیع جواهرت «خمس» است «سرخسی» از علمای بزرگ «احناف» است می‌گوید در کنز «خمس» است «ابن حزم اندلسی» می‌گوید:

«من وجد كنزا ففيه الخمس وأعلموا أنّما عنيتُم»

به آیه «خمس» هم استدلال می‌کند؛ یعنی حتی این آقایان در معدن و غواصی و غیره هم به همین آیه دارند استدلال می‌کنند.

بحث در این مورد زیاد است من به همین اندازه اکتفا می‌کنم با ذکر صلوات بر محمد و آل محمد.

پرسش:

استاد! این جا هم اصول وجوب «خمس» وهم مصرفش ثابت شد

پاسخ:

بله.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته